

دوره یازدهم قانون گذاری

جلسه ۱۹

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

باستناد متن قوانین

یکشنبه ۶ دی ۱۳۱۶

شماره مسلسل - ۸۰۸

چاپخانه مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۵ دی ماه ۱۳۱۶ \*

## فهرست مطالب

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - تقدیم بگفته لایحه از طرف آقای وزیر داخله و یک فقره از طرف وزارت صناعت
- ۳ - بقیه شور اول لایحه اصول محاکمات حقوقی از مادم ۱۰۱
- ۴ - شور و تصویب لایحه اعتبار پروانه های ورودی
- ۵ - تصویب یک فقره مرخصی
- ۶ - موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه

( مجلس يك ساعت و سه ربع پيش از ظهر بريايت آقای اسفندیاری تشکیل گردید )

صورت مجلس یکشنبه ۲۸ آذرماه را آقای مؤید احدی (منشی) قرائت نمودند. ☆☆

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (گفته شد - خیر)  
صورت مجلس تصویب شد. آقای وزیر داخله

[ ۲ - تقدیم یک فقره لایحه از طرف آقای وزیر داخله و یک فقره لایحه از طرف وزارت صناعت ]  
وزیر داخله - البته خاطر آقایان مسبوق است که چندی نگذشته است که قانونی از برای تشکیلات وزارت داخله و تقسیمات کشور تقدیم شد و مورد تصویب هم واقع شد و در همان موقع هم که قانون تقدیم شد چه در مجلس و چه در کمیسیون بعرض آقایان رساندیم که راجع بتقسیمات کشور مطالعات بیشتری لازم است و حدود استانها و

شهرستانها ممکن است در آتی تغییر کند و از کلیه آقایان نمایندگان هم نسبت بحوزه انتخابیه شان يك سوالهائی شد و استدعا شد نظریاتی بدهند و يك کمیسیونهائی تشکیل شد و مطالعاتی در این تشکیلات شد و بعد تجربه بما ثابت کرد که حوزه این استان هائی که اینقدر زیاد است اگر قدری کوچکتر بکنیم استلظاطها بهتر میتوانند وظائف محوله را انجام دهند این است که امروز يك لایحه تقدیم میشود که نسبت بتقسیمات از حیث استان و شهرستان عده استانها را ده تا میکنیم بجای شش تا و شهرستانها بجای پنجاه تا میشود چهل و نه تا. ضمناً بنده میخواستم از این موقع

( مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵ )

☆ عین مذاکرات مشروح نوزدهمین جلسه از دوره یازدهم قانون گذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

⊗ اسلامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شد:

غائبین با اجازه - آقایان: زوار - مسعودی - دکتر نیرومند - اورنگ  
غائبین بی اجازه - آقایان: موقر - بوداغان - مؤید ثابتي - دهستانی - توانا - دبستانی - دکتر ادهم - کاشف - اعظم زنگنه - عطاءالله پالیزی  
دیر آمده با اجازه آقای سلطانی  
آمدگان بی اجازه - آقایان: دکتر سمعی - منصف - مکرم افشار - فرشی - ناصری - تهرانچی - نیکپور - وکیلی - فرا گریو

استفاده کنم و يك ماده سومی هم اضافه کنیم چون در بهمن ۱۳۱۰ يك قانونی بتصویب رسیده بود که بوزارت داخله اجازه داده شد کلاسها و آموزشگاههای اختصاصی داشته باشد و شاگردان را پس از اینکه امتحان دادند بعد از سه ماه خدمت افتخاری با رتبه يك بپذیرد چون عملاً بما ثابت شد اشخاصی که میآیند و درس میخوانند و زحمت میکشند بهتر این است بعد از اینکه امتحان دادند آنها را بکار بپذیریم خصوصاً با اینکه عده زیادی از آنها هم از اعضاء دون اشل هستند دیگر بعد از امتحان سه ماه خدمت افتخاری خوب نیست و غیر عملی است این است که در اینجا تقاضا کرده ایم آن سه ماه حذف شود و ضمناً عرض میکنم از برای اینکه عملاً دیده ایم اشخاصی که اصول را خوانده اند بهتر میتوانند این خدمات را انجام دهند اجازه میخواهیم شش ماه آنها را وزارت داخله آزمایش کند در صورتیکه عملاً از عهده انجام خدمات مربوطه بر آمدند رتبه آنها تثبیت شود و اگر نه پس از شش ماه بخدمت آنها خاتمه داده شود و مستخدمی که بدرج کار نمیخورد نداشته باشیم این است که این لایحه که ماده سومش هم مربوط باین موضوع است تقدیم میکنم که بعرض آقایان خواهد رسید. در ضمن هم که میآید شرفیاب شوم آقای وزیر صناعت لایحه داشتند که يك ماده بیشتر ندارد و تقاضا فرموده اند بایشان اجازه داده شود در صورتیکه غیر از مستخدمین دولت اشخاصی پیدا شوند که بتوانند خدمات وزارت صناعت را که يك قسمتهایش فنی و اختصاصی است انجام دهند ایشان اختیار داشته باشند اشخاصی که سابقه خدمت رسمی ندارند بخدمت وزارت صناعت بپذیرند این است که لایحه اش را بنده از طرف ایشان تقدیم میکنم

### [۳- بقیه شور اول لایحه اصول محاکمات حقوقی

از ماده ۱۰۱]

رئیس - بقیه لایحه اصول محاکمات حقوقی از ماده صد و يك مطرح است. ماده صد و یکم قرائت میشود:

(باین مضمون خوانده شد)

ماده ۱۰۱ - هر يك از اصحاب دعوی یا وکلاء آنها

میتوانند عملی را برای ابلاغ اوراق دعوی در شهری که مقر محکمه است انتخاب نموده آنرا بدفتر محکمه اعلام کنند - در اینصورت کلیه اوراق راجعه بدعوی بحال نام برده ابلاغ خواهد شد

رئیس - ماده صد و دوم

(بمضمون زیر خوانده شد)

ماده ۱۰۲ - هر گاه یکی از طرفین دعوی عمل اقامتی را که اوراق اولیه در آن محل ابلاغ شده و یا عملی را که برای ابلاغ اوراق انتخاب کرده اند تغییر دهند باید فوراً مراتب را بدفتر محکمه اعلام کنند و مادام که اطلاع نداده اند اوراق بهمان محل سابق فرستاده میشود در صورتیکه کسی در محل نباشد یا اشخاصی که هستند نخواهند رسید بدهند مأمور ابلاغ این نکته را با تصدیق دو نفر از اهل محل در ابلاغنامه تصریح و بدفتر محکمه عودت میدهد در اینصورت اوراق نامبرده ابلاغ شده محسوب است و در دفتر محکمه باقی میماند و کسی که ابلاغ باو میبایستی بشود نمیتواند بعد از اطلاع از آن متعذر گردد

رئیس - آقای عراقی

عراقی - این ماده بنظر بنده قدری اشکال دارد مینویسد « هر گاه یکی از طرفین دعوی عمل اقامتی را که اوراق اولیه در آن محل ابلاغ شده و یا عملی را که برای ابلاغ اوراق انتخاب کرده اند تغییر دهند باید فوراً مراتب را بدفتر محکمه اعلام کنند » ممکن است مدعی باین تصور باشد که مدعی علیه در همان محل است و مدعی علیه هم اصلاً اطلاع ندارد میبایست اوراق را آنجا در حالی که مدعی علیه منزلش را تغییر داده یا رفته است جای دیگر و اصلاً اطلاعی ندارد که يك همچو عرضحالی برایش تنظیم و ابلاغ شده است بنا بر این حقیقه يك تقصیری برش وارد نیست و با این ماده سازش ندارد چون هم ممکن است تقصیری داشته باشد یعنی مطلع باشد و به محکمه اطلاع ندهد که عمل من کجاست و ممکن است اطلاع نداشته باشد و الحاق کردن این آدم بآن صورت دیگر این يك قدری بنظر من مثل این میماند که مقصردون جهت حساب میشود.

مؤید احمدی (غیر) - اول بطور کلی لازم است یکموضوعی را عرض کنم بعد جواب آقای عراقی را عرض کنم تمام اشکال عدلیه و تعویق محاکمات و بطوی که در جریان عدلیه هست از موضوع ابلاغ است. یکی از کارهای مشکل عدلیه این است که آدم عریضه میدهد حالا میخواهند مدعی علیه را پیدا کنند شاید يك ماه دو ماه طول بکشد که بتوانند مدعی علیه را پیدا کنند و تازه عرضحال را بهش ابلاغ کنند حالا دیگر در قسمت های اجرا و ابلاغ احکام و ابلاغ قرارها آنها دیگر البته مخصوصاً کسی که محکوم علیه شده حتی الامکان کاری میخواهد بکند که حکم ابلاغ نشود چون در قانون هست که تا حکم ابلاغ نشود اجرا نمیشود البته باید مدعی علیه ابلاغ بشود خاصه اگر در مرحله بدوی باشد حق استیناف و تمیز دارد و قطعاً باید بهش ابلاغ شود که بفهمد کی مدت استیناف منقضی میشود اگر حکم غیابی است اعتراض بدهد اگر بدوی است استیناف بدهد روی آن جریاناتی که قانون معین کرده و حقیقه دستگاه قضات را موضوع ابلاغ فلج میکند و از تمام دستگاهها کند تر است حالا دیگر بنده نمیخواهم سوء ظن هم بپریم که مأمورین ابلاغ هم خدای نکرده يك کار هائی میکنند در این مواقع و فکرها شده است برای این موضوع ابلاغ لکن اینجا بنده تصور کردم آقای عراقی راجع بماده ۱۰۲ خواستند فرمایشی بکنند ولی راجع بماده صد و يك بود و این را درست توجه کنند این در صورتی است که مدعی علیه اقامت گاه خودش را معین کرده يك کسی از من عریضه داده و بنده هم در عدلیه آمده ام معین کرده ام که اقامتگاه من در فلان محل است این دیگر بهمان محل ابلاغ میشود آن فرمایشی که فرمودید در صورتی است که اقامتگاه را معلوم نکرده است لکن فلان آدم آوگا است یا خودش مدعی است فرق نمیکند روز اول میرود در محکمه میگوید آقا اقامتگاه من در فلان محل است آدرس من این است البته بهمان محل ابلاغ میشود نباشد الصاق میشود من خیال کردم در ماده ۱۰۲ میخواهید اشکال کنید که اگر عمل را تغییر داده آنوقت چه بکنیم

عمل اقامت فلان محل بوده امروز اجاره اش سر آمده رفته خانه دیگر و غفلت کرده بعدلیه خبر نداده اینجاروی اصل کلی تاخیر نداده است ما همان محل را اقامتگاه او میدانیم وقتی تغییر داد میبایست بیاید بعدلیه بگوید آقا من عمل اقامت خودم را تغییر داده ام و ابلاغات من بعد باید باین نقطه بشود خوب حالا تغییر داده و محل اقامت هم معین نکرده و اطلاع نداده حالا چه بکنیم غیر از این چاره ای ندارد جز اینکه دو نفر شاهد بگیرند و بهمان محل ابلاغ کند

رئیس - آقای عراقی

عراقی - اولاً به آقای غیر محترم عرض میکنم که همه مردم استصحاب بلد نیستند (مؤید احمدی - ما که بلدیم) يك وقتی فیروز میرزای نصرت الدوله پدر فرمانفرما حاکم شده بود آمده بود عراق میرزا محمد وزیر پسر میرزا ابوالقاسم قائم مقام در يك دهی بود نو کرش آمد گفت شاهزاده وارد شدند بنو کرش گفت شاهزاده عباس بود یا بشاش نو کرش نگاه کرد باز گفت پسر بنو میگوید عباس بود یا بشاش معلوم میشود که نفهمیدی میگویم انتباض وجه داشت یا انبساط وجه گفت آقا این زبانی که تو میگوئی باید جوابش را هم خودت بدهی من اینهارا نمیفهمم. کلیتاً عارض و قتیکه میآید عرضحال میدهد بمحکمه این آدمی که اطلاع از عرضحال ندارد قبلاً نمیتواند بیاید بگوید من منزلم فلانجاست (غیر - این ماده شامل آن نمیشود) این ماده میدانم شامل آن نمیشود شامل آن میشود که تعیین اقامتگاهش شده است بعد عرضحالی باو میخواهد ابلاغ بشود و در این محل نیست این بعقیده بنده تقصیری برش وارد نیست شما میخواهید این را مقصردانید یعنی وقتی آمدی محلت را تغییر دادی اجبار داری تو که طرف داری بیائی اظهار کنی که من محل خودم را تغییر دادم بنده همین قسمت را عرض میکنم بهمان جهاتی که خود آقایان فرمودید بطوه جریای کار عدلیه بیشترش راجع است بهمین ابلاغات عرضحال و بعد از آن با ابلاغات احکام - روی همین قسمت است که بنده عرض میکنم خود این قضیه را باید جوری کرد که نسبت بآن حکم ایرادی پیدا نشود

وقتی که محکمه آمده است و میخواهد تعیین جلسه بکند و من محکم را تعیین داده ام این باید داخل شود. بآن ماده که گفتیم باید در روزنامه اعلان شود و الا رسید اعم از اینکه همسایه ها رسید بدهند یا رسید ندهند باید این را بپریم داخل در آنجائی بکنیم که اعلان در جراید بشود که آقا محفلت را معین نکردی پس از اعلان آنوقت بنده میگویم مقصر بوده است و الا پیش از اعلان تا درجه ای زور است و فشار.

**مؤید احمدی (مخبر) -** این ماده همانطوری که آقای عراقی فرمودند صرف در جائیست که محل اقامت را خود مدعی و مدعی علیه معین کرده اند و در صورتیکه تغییر مکان میدهند باید اطلاع بدهند قانون اورا مکلف کرده که بدفتر اطلاع بدهد حالا میفرمائید که اطلاع نداده تصدیق می فرمائید که تقصیر دارد. يك تكلیفی که بر عهده اش بوده انجام نداده است غیر از این راهی ندارد. این اول محاکمه نیست ملاحظه فرمائید میگوید هر گاه یکی از طرفین دعوی محل اقامتی را که اوراق اولیه در آن محل ابلاغ شده و یا محلی را که برای ابلاغ اوراق انتخاب کرده اند تغییر دهند باید فوراً مراتب را بدفتر محکمه اعلام کنند و ما دلم که اطلاع نداده اند اوراق بهمان محل سابق فرستاده میشود و اما اینکه فرمودید که همه کس استصحاب نمیداند قانون را که نمیشود روی جهل مردم نوشت وضع قانون باید روی اساس باشد روی قاعده باشد. میگوئیم روی همان محل اقامت سابقش ملاک است. ما این را روی قاعده میگوئیم نه روی مردم.

**رئیس -** ماده ۱۰۳ قرائت میشود

**ماده ۱۰۳ -** در صورتیکه عرضحال و منضمات آن مطابق مواد ۸۵ الی ۱۰۰ ابلاغ نشود حکم محکمه از درجه اعتبار ساقط میگردد مگر آنکه مدعی علیه پاسخ کتبی خود را داده و در ضمن پاسخ تقاضای ابطال آنرا نکرده باشد که در اینصورت بعدها حق اعتراض بطریق ابلاغ نخواهد داشت.

**رئیس -** ماده صد و چهار

**ماده ۱۰۴ -** هیچیک از اصحاب دعوی و وکلاء عدلیه نمیتوانند مسافرت های موقتی خود را تعیین محل اقامت حساب کرده ابلاغ اوراق دعوی مربوطه بخود را در عمل نامبرده تقاضا کنند و اعلام مربوطه بتغییر محل اقامت وقتی پذیرفته میشود که محل اقامت مطابق ماده ۱۰۰۴ قانون مدنی حقیقه تغییر یافته باشد

**رئیس -** ماده صد و پنجم

مبحث دوم

جریان دعوی از بعد از ابلاغ عرضحال تا تعیین جلسه **ماده ۱۰۵ -** مدعی علیه باید در ظرف ده روز پس از رسید عرضحال بان دعای مدعی پاسخ داده رونوشت مصدق کلیه اسناد و دلایل خود را ضمیمه نماید و در ضمن پاسخ کتبی دعوی جعل سند و معاینه و تقاضای تحقیق محلی و استعمال از خبره و هر نوع ایراد و دفاعی را که نسبت به دعوی مدعی مؤثر میدانند اظهار کنند و رعایت مفاد قسمت ۶ از ماده ۶۸ و مواد ۷۰ تا ۷۴ اصول محاکمات را در پاسخ خود بنماید. پاسخ مدعی علیه و منضمات آن باید در دو نسخه و در صورت تعدد مدعی بعده مدعیان بعلاوه يك نسخه باشد. اگر پاسخ مدعی علیه با منضمات آن يك نسخه باشد دفتر محکمه رونوشت آنرا بعده مدعیان تهیه نموده و هزینه آن را دو برابر از مدعی علیه بوسیله مأمور اجرا وصول مینماید.

**رئیس -** آقای دکتر جوان

**دکتر جوان -** در ذیل ماده مینویسد اگر مدعی علیه لایحه ای که باید بدهد منضمات آن را ناقص بدفتر محکمه تقدیم کند. بجای چند نسخه که بعده مدعیان باید بدهد فقط يك نسخه داده باشد این عاده مدیر دفتر محکمه را مکلف کرده که رونوشت منضمات و لایحه را بعده مدعیان تهیه کند و برای آنها بفرستد و هزینه ای که برای این کار لازم باشد بعداً از مدعی علیه بگیرند البته این يك ترتیبی است که سابقاً اینطور نبوده است سابق اینطور بود. همانطوری که اگر مدعی يك عرضحالی میداد و ناقص بود مکلف بود

که کمال بدهد و اگر ناقص بود قبول نمیکردند و میگفتند باید کامل بکنی و بیاوری همانطور هم مدعی علیه مکلف بود که عرضحال را کامل بدهد. و چون در این موضوع هم در کمیسیون صحبت بود لازم بود تذکره عرض کنیم بنظر بنده همان ترتیبی که سابق بود بهتر است برای اینکه اگر بنا باشد که مدعی علیهی که لایحه و منضماتش را ناقص تقدیم کرده مدیر دفتر مکلف باشد رونوشت آنها را بعده مدعیان تهیه کند بر اشکالات خواهد افزود مثلاً یکی زاجع باصول اسناد است مدعی علیه همانطوری که در مواد بعد ذکر شده است اگر بنا باشد اصول اسناد را بدهد اغلب اسناد لایققره است و صاحب سند باید باشد تا اسناد را بخواند و تهیه رونوشت بکند و این مشکل است و بعلاوه این که در موقع خودش عرضحال کمال نداده است اگر دفتر بنا باشد رونوشت تهیه کند این اسباب زحمت است و وقت عمدی لازم دارد و ممکن است اسباب تضییع وقت و بطوه جریان بشود لذا بمقیده بنده بهتر این بود که این قسمت حذف شود و همانطوری که در سابق بود نظیر همان قاعده کلی که داریم که هر کس تکلیفی که قانون برایش معین کرده باید کاملاً انجام کرده باشد و مدعی علیه هم اگر عرضحال و اسنادش را ناقص داده مدیر دفتر قبول نکند تا موجب بطوه جریان نشود

**وزیر عدلیه -** این موضوع را در کمیسیون مفصل صحبت کردیم خود آقای دکتر جوان هم بودند و قرار شد که همینطور باشد حالا مجدداً در اینجا تجدید مطلع می کنند خوبست اگر نظری دارند پیشنهاد کنند در شور دوم هم مجدداً مذاکره خواهیم کرد.

**رئیس -** ماده صد و شش قرائت میشود

**ماده ۱۰۶ -** بعد از رسید پاسخ مدعی علیه مدیر دفتر باید يك نسخه از پاسخ را با ضمائم آن باینگانی و نسخه دیگر را به منضمات در ظرف دو روز بوسیله مأمور ابلاغ بمدعی ابلاغ کند برای این ابلاغ مقررات ابلاغ بمدعی علیه نیز از هر جهت باید منظور شود

**رئیس -** ماده صد و هفت

**ماده ۱۰۷ -** مدعی باید هر پاسخی که دارد مطابق ماده ۱۰۵ نوشته و اگر باسناد یا شهود جدیدی برای پاسخ از مدافعات مدعی علیه استناد کرده است رونوشت آن اسناد و اسامی شهود را ضمیمه هر نسخه کرده در ظرف ده روز بدفتر محکمه تسلیم کند

**رئیس -** ماده صد و هشت

**ماده ۱۰۸ -** مدیر دفتر باید در ظرف دو روز پاسخ مدعی را بوسیله مأمور ابلاغ برای ابلاغ بمدعی علیه بفرستد و مشارالیه آخرین پاسخ خود را باید تا ده روز بدفتر محکمه برساند پاسخ آخر را مدیر دفتر برای مدعی فرستاده و در همان موقع روز و ساعت رسیدگی را معین کرده اصحاب دعوی را احضار می کند قواعد احضار مانند قواعد ابلاغ است

**رئیس -** ماده صد و نه

**ماده ۱۰۹ -** اگر یکی از اصحاب دعوی پاسخ کتبی خود را در موعد مقرر بدفتر محکمه نرساند مدیر دفتر جلسه محاکمه را معین و بطرفین اطلاع میدهد

**رئیس -** ماده صد و ده

**ماده ۱۱۰ -** مدعی میتواند مدعی به خود را مکدر عرضحال تصریح کرده است زیاد کند و یا نحوه دعوی یا مدعی به و یا تقاضای خود را تغییر دهد مشروط بر اینکه متقناً همان منشأ دعوای اولی و مربوط بآن باشد تغییر تقاضا یا زیاد کردن مدعی به و تغییر آن در دعوای عادی در لایحه پاسخ نامه مدعی و در دعوای اختصاری در جلسه اول محاکمه بعمل نیاید و نیز مدعی میتواند در تمام مراحل محاکمه مدعی به خود را کم کند

**رئیس -** ماده صد و یازده

مبحث سوم - مواعد مخصوص

**ماده ۱۱۱ -** مواعد پاسخ مدعی و مدعی علیه در صورتیکه خارج از مقر محکمه باشند بترتیب زیر است

۱ - هر گاه در ایران باشد به نسبت هر سی و شش کیلومتر (شش فرسخ) مسافت بین اقامتگاه او تا مقر محکمه يك روز بموعد مقرر اضافه میشود

۲- هر گاه در خارجه باشد برای کشورهای همسایه دوماه و کشور غیر همسایه سه ماه و برای کشورهای دور مثل آمریکا و خاور دور چهار ماه

رئیس - ماده صد دوازده

ماده ۱۱۲ - موعده رسید پاسخ مدعی علیه در صورتی که اقامتگاه معین نداشته باشند از روز طبع آخرین آگهی در مطبوعات چهار ماه است

رئیس - ماده صد و سیزده

ماده ۱۱۳ - در صورتی که در يك دعوی مدعی علیه متعدد باشند طویل ترین موعده که درباره يك نفر از آنان رعایت میشود شامل تمام آنها میباشد

رئیس - ماده صد و چهارده

ماده ۱۱۴ - هر گاه اوراق دعوی و منضمات اتفاقاً در غیر اقامتگاه مدعی علیه باو ابلاغ شود موعده پاسخ با رعایت مسافت از محل اقامت او منظور میشود

رئیس - ماده صد و پانزده

ماده ۱۱۵ - ترتیب جریان کار در دفتر محکمه و تنظیم اوراق دعوی تابع مقررات نظامنامه وزارت عدلیه خواهد بود

رئیس - ماده صد و شانزده

فصل چهارم - جلسه محاکمه

ماده ۱۱۶ - در موارد زیر مدیر دفتر باید بدون اینکه تعیین جلسه کند مراتب را فوراً به محکمه اطلاع دهد.

۱ - وقتی که مدعی عرض حال خود را استرداد کرده باشد

۲ - در صورت اصلاح طرفین که صلحنامه رسمی بمحکمه رسیده باشد

۳ - در موردی که مدعی علیه کاملاً و صریحاً بدعوی مدعی تسلیم شده باشد

۴ - در صورتی که طرفین حق حضور خود را اسقاط کرده باشند

محکمه باید در ظرف دو روز تکلیف کار را از حیث

اینکه برای تحقیق یا استیضاح محتاج بتعیین جلسه است یا نه معین کند

در صورتی که محکمه تعیین جلسه را لازم نداند در مورد اول عرض حال را ابطال و در مورد ثانی وصول صلح نامه و ختم امر را در پرونده قید می کند و در مورد سوم بلافاصله و در مورد چهارم پس از رسیدگی حکم صادر می کند.

رئیس - ماده صد و هفده

ماده ۱۱۷ - هر گاه یکی از طرفین حق حضور خود را برای جلسه محاکمه اسقاط کرده باشد در این صورت نیز مدیر دفتر باید فوراً و قبل از جلسه به محکمه اطلاع دهد و

اگر محکمه حضور کسی که حق حضور خود را اسقاط کرده است لازم بداند باید در ظرف دو روز کتباً بمدير دفتر اطلاع دهد - مدیر دفتر وقت جلسه را بکسی که محکمه حضور او را لازم دانسته است صریحاً اعلام میکند که

برای اداء توضیحات در جلسه محاکمه حاضر شود.

رئیس - ماده صد و هجده

ماده ۱۱۸ - جلسه محاکمه برای اولین روزی که محکمه مطابق دفتر اوقات وقت رسیدگی دارد معین میشود ولی وقت باید طوری معین شود که فاصله بین ابلاغ وقت به اصحاب دعوی و روز جلسه کمتر از سه روز نباشد.

رئیس - ماده صد و نوزده

ماده ۱۱۹ - در مواردی که اقامتگاه متداعین یا یکی از آنها در خارج از مقر محکمه باشد روز جلسه باید با رعایت مسافت و مدتی که عادتاً برای ابلاغ و حضور در محکمه لازم است معین شود

رئیس - ماده صد و بیست

ماده ۱۲۰ - محاکم میتوانند جلسه محاکمه را با رضایت متداعین بتأخیر اندازد

رئیس - ماده صد و بیست و یک

ماده ۱۲۱ - حاکم محکمه قبل از جلسه پرونده امر را مطالعه کرده خلاصه ای از دعوی و مدافعات و دلایل طرفین ترتیب داده نکاتی را که محتاج بتوضیح است یاد داشت میکند و در موقع افتتاح جلسه خلاصه مزبور را برای اصحاب دعوی قرائت و توضیحاتی را که لازم است از آنها می خواهد

توضیحات و مذاکرات بطور خلاصه در صوت مجلس نوشته شده و بامضاء طرفین میرسد

رئیس - ماده صد و بیست و دو

ماده ۱۲۲ - در جلسه محاکمه هیچگونه دلیل و سند جدیدی از طرفین پذیرفته نمیشود

رئیس - ماده صد و بیست و سه

ماده ۱۲۳ - عدم حضور يك طرف مانع توضیحات طرف دیگر نمیشود

رئیس - ماده صد و بیست و چهار

ماده ۱۲۴ - در موارد زیر عین اظهارات اصحاب دعوی باید نوشته شود

۱ - وقتی که بیان یکی آن ها مشتمل بر اقرار باشد  
۲ - در موردی که یکی از طرفین بخواهد از اظهارات طرف دیگر استفاده نماید

۳ - در موردی که محکمه بجهتی درج عین عبارت را لازم بداند

رئیس - ماده صد و بیست و پنج

ماده ۱۲۵ - محکمه در جلسه بطرفین تکلیف صلح میکند هر گاه صلح کردند مراتب در صورت مجلس نوشته شده به امضاء طرفین میرسد و در صورتی که حاضر برای صلح نباشند محکمه شروع برسیدگی مینماید

رئیس - ماده صد و بیست و شش

ماده ۱۲۶ - اگر دعوی دیگری که ارتباط کامل با دعوی طرح شده دارد در همان محکمه یا شعب آن محکمه مطرح باشد محکمه میتواند دعوی نام برده را جمع کرده به تمام آنها توأمآ رسیدگی کند

در مورد این ماده و کلا و اصحاب دعوی مکلفند از دعوی مربوطه محکمه را مستحضر نمایند

رئیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - در این ماده يك اصلاحی شد (بنده در کمیسیون هم عرض کردم) که یک قدری مخالف بود با این منظوری که در این ماده هست این جمله «یا شعب آن» مینویسد: اگر دعوی دیگری که ارتباط کامل با دعوی

طرح شده دارد در همان محکمه یا شعب آن محکمه مطرح باشد این ماده محکمه را مکلف کرده است که تمام دعوی را در یکجا جمع کنند اینطوری که اینجا اصلاح شده است

بنظر بنده اساساً عملی نیست برای اینکه این عملی نیست که در يك محکمه وقتی يك دعوائی مطرح است تذکر داده شود که در فلان محکمه دیگر هم يك دعوائی جریان دارد که با این دعوی ارتباط دارد و آن محکمه دعوائی

را که پیش خودش مطرح است بفرستد اینجا و یا دعوائی که در شعب دیگر محکمه جریان دارد چطور میشود جمع کرد در یکجا فرض کنید در شعبه دو محاکم ابتدائی يك

دعوائی مطرح است و کیل در موقع محاکمه تذکر میدهد میگوید دعوی دیگری هم یکی در شعبه چهارم استیفا و یکی در شعبه پنجم استیفا بین همین اصحاب دعوی مطرح است و ارتباط

باین دعوی دارد از محکمه تقاضا کند که تمام آنها را در یکجا جمع کند و رسیدگی نماید حالا این شعبه ۱۲ این دعوائی که قبلاً وارد شده در صلاحیت شعبه چهار یا پنج اینها را چطور در

یکجا جمع کند بله اگر در موقع تقسیم عرایض بود رئیس کل محاکم صلح یا بدایت یا استیفا این نظر را توجه میکرد و همه را رجوع میکرد يك شعبه ولی وقتی که تقسیم شد بین چند شعبه و در يك شعبه گفته شود که در شعب

دیگر هم این محاکمه مطرح است دیگر این شعبه حق ندارد يك محاکمه که وارد در صلاحیت محکمه دیگر شده است بخواهد و با هم رسیدگی کند این فقط يك موقع عملی بود که همان ماده اولی بود در ماده اول نوشته بود

که اگر در خود این محکمه دوتا یا سه تا دعوی بود که بهم ارتباط داشت محکمه مکلف است که آن دعوی را با یکدیگر جمع کند و یکجا رسیدگی نماید مثلاً فرض بفرمائید در شعبه ۲ محاکم بدایت دو دعوی مطرح است بین همان اصحاب دعوی که با یکدیگر ارتباط دارد این هیچ مانعی ندارد که وقتی یکی از اصحاب دعوی تذکر داد آن دو دعوی را جمع کنند در یکجا و رسیدگی کنند ولی این عملی نیست که دو دوشعبه دوسه محاکمه مرتبط بیکدیگر طرح باشد و ایراد شود که آن شعبه می تواند آنها را از صلاحیت شعبه دیگر خارج کند و خودش رسیدگی نماید فقط در موارد دیگر که ماده ۲۰۰ و ۲۰۵ است آنجا اگر وکیل یا یکی از اصحاب دعوی تذکر داد که در جاهای دیگر هم این محاکمه جریان دارد محکمه بتقاضای مدعی پرونده امر را بمحکمه ای که دعوی در آن مطرح است میفرستد بنا بر این بنظر بنده اگر در یک شعبه باشد و تذکر داده شود که یک جا رسیدگی شود اشکالی ندارد ولی در این ماده بدین ترتیب غیر عملی است **وزیر عدلیه** - تعجب میکنم از آقای دکتر جوان با اینکه خودشان در کمیسیون تشریف داشتند و با توضیحات مفصلی که داده شد باز در مجلس تجدید مطلع فرمودند اینکه این جا اظهار شد که اکتفا شود که اگر در همان محکمه باشد و موضوع شعب آن را از بین ببریم اینجا در حقیقت ما خواستیم احتراز کنیم از این اصطلاحی که به غلط معمول شده و الا تغییری در وضعیت فعلی داده نشده در اصطلاح محاکم عدلیه فعلی اصطلاح شده که محاکم بدایت ، رئیس محاکم بدایت در صورتی که این کلمه غلط است رئیس بدایت است و محکمه بدایت منتهی محکمه بدایت چندین شعبه دارد و الا نمیشود گفت که مثلاً طهران نه تا ده تا محکمه بدایت دارد خیر یک محکمه بدایت دارد منتهی آن محکمه چند شعبه دارد و ما خواستیم از این اصطلاحی که اشتهاً معمول شده احتراز کرده باشیم و این جا قید کردیم که در آن محکمه یا شعب آن محکمه اگر هم بر فرض

نمی نوشتیم همین را الا آن هم عمل میکنند و این توضیحاتی که آقای دکتر جوان دادند بنظر بنده قانع کننده نیست برای این که ایراد میکردند که بطور ممکن است کاری که در دوشعبه محکمه مطرح شده این را بعد جمع کنند در یک شعبه بنده در جواب ایشان عرض می کنم که شعب یک محکمه در عرض هم هستند نمیشود گفت یک شعبه صلاحیت دارد یک شعبه دیگر ندارد خیر همه صلاحیت دارند و ترتیب عملی هم این است همیشه چند عرض حال که با هم ارتباط دارند و میخواهند جمع کنند که اعمال نظری دوش نشود و بطور طبیعی یک شعبه رجوع شوند ترتیبش این است که آن پرونده هایی که بهم ارتباط تام دارند به آن شعبه که تاریخاً بطور مقدم آن کار با رجوع شده باقی کارها هم بانچه رجوع می شود و این مسئله نهایت ضرورت را دارند برای اینکه تجربه های خیلی عجیبی از اینکار داریم بسا شده یک قسمت از کارها با هم ارتباط تام داشته اند ولی بواسطه اختلاف نظر ما مواجه شده ایم با یک احکام و جریان قضائی که واقعاً هیچ قانونی هم آن را پیش بینی نکرده بوده است و صرف ناشی از یک ترتیبات اشتباه و غلط بوده است و بنده عقیده ام این است که این قانون هیچ تغییری در ترتیب سابق نداده بلکه ما خواسته ایم یک رفع اشتباهی شده باشد و اشتباه نکنند کلمه محکمه را با شعبه که وقتی گفتند محکمه بدانند ناظر شعب آن محکمه هم هست و الا تغییری داده نشده و نهایت ضرورت را هم دارد و بهتر این است که بهمین شکل بماند.

**رئیس - آقای دکتر جوان**

**دکتر جوان** - عرض کنم یک موضوع دیگری این جا هست و آن این است که اصولاً وقتی که دعاوی مرتبط است که باید یک جا جمع کرد حتماً این دعاوی باید بین همان اصحاب دعوی باشد یعنی بین همان مدعی و مدعی علیه یک دعوائی است که با دعوی دیگر ارتباط دارد آنها را با یکدیگر باید جمع کنند و در یک محکمه رسیدگی کنند ولی این مورد تصدیق همه است که اگر یک دعوی دیگری بالین دعوی از تباط دارد ولی اصحاب دعوی دیگران هستند این را نمیشود در یک جا با هم جمع کرد رسیدگی کرد پس باید تصریح شود که دعاوی که تعیین

اصحاب دعوی است و ارتباط کامل بادعوی مطروحه دارد آن ها را باید جمع کرد در یک محکمه و بنده تصور میکنم این قسمت در این جا حذف شده این بود که عرض کردم تا آقای وزیر عدلیه توجه فرمایند و اگر مقتضی میدانند اصلاح فرمایند

**وزیر عدلیه** - ایراد ایشان در حقیقت راجع است و به تعریف ادعای مرتبطه و بنده موافقم که در شور ثانی یک تعریف جامعی برای ادعای مرتبطه پیدا کنیم.

رئیس - ماده ۱۲۷

( بشرح ذیل قرائت شد )

ماده ۱۲۷ - محکمه مکلف است در پایان جلسه تکلیف محاکمه را در صورتی که قضیه روشن شده باشد با اعلام صریح ختم محاکمه والا با تعیین جلسه بعد معین کند و برای محاکم ممنوع است باجمال برگذار نمایند

رئیس - ماده ۱۲۸

( بنحو ذیل خوانده شد )

ماده ۱۲۸ - بعد از اعلام ختم محاکمه هیچ قسم اظهار شفاهی یا کتبی از طرفین پذیرفته نخواهد شد

رئیس - ماده ۱۲۹

( بشرح آتی خوانده شد )

ماده ۱۲۹ - جلسات محاکمه علنی است مگر در موردی که علنی بودن جلسه نخل انتظامات عمومی و یا مخالف اخلاق حسنه باشد در اینصورت محکمه میتواند مستقلاً و یا بتقاضای یکی از اصحاب دعوی و یا بتقاضای مدعی العموم قرار غیر علنی بودن جلسه را بدهد.

رئیس - آقای دکتر جوان

**دکتر جوان** - در این ماده نسبت بماده پیشنهادی اولی یک اصلاحی شده است و آن کلمه مستقلاً است که در این جا نوشته شده است و بنظر بنده بکلی معنی را تغییر میدهد و آن منظوری هم که در اول بود مفهوم نمیشود که آیا این جا مقصود این ماده از کلمه مستقلاً چیست چون اصولاً محاکم وقتی یک اقدامی را میکنند باید بر حسب

تقاضای یک نفر ذینفع باشد یعنی محاکم بنظر خودشان نمیتوانند بدو شروع به یک تصمیمی بکنند مگر در بعضی موارد استثنائی که قانون معین میکند و یکی از آن موارد هم همین است که بعضی مواقع که محکمه مقتضی بداند که جلسه محاکمه علنی نباشد محکمه بنظر خود رأساً قرار غیر علنی بودن آن را میدهد در ماده اولی کلمه مستقلاً نبوده بلکه کلمه رأساً بود و نوشته بود محکمه میتواند رأساً یا بتقاضای یکی از اصحاب دعوی و بنظر بنده کلمه رأساً یک کلمه مصطلحی بوده و همه کس هم معنی آن را میدانست کلمه رأساً یعنی محتاج بتقاضای کسی نیست و آنجا آقایان اعضاء کمیسیون مذاکره کردند و رأساً را تبدیل به مستقلاً کردند بنده خواستم عرض کنم که این برخلاف سایر قوانین است و در آنجا این کلمه باین معنی که در اینجا نوشته شده استعمال نشده است مثلاً در ماده ۱۵ قانون حکمیت نسبت بدعوی شخص ثالث میگوید وقتی که دعوی رجوع شد به حکمیت محکمه نسبت بدعوی شخص ثالث مستقلاً رسیدگی میکند آنجا معنایش این نیست که رأساً رسیدگی میکند آنجا معنایش این است که این دعوی را جدا کند از دعوی اصلی ولی در قانون مالیات بر ارث که از تصویب مجلس گذشت در آن مینویسد اگر در موقع معین اظهارنامه داده نشد اداره مالیات بر در آمد خودش رأساً اقدام میکند یعنی بدون تقاضای کسی پس می بینیم که کلمه رأساً در بعضی مواد قوانین دیگر که نوشته شده بمعنائی که در این ماده مقصود است استعمال نشده و یک معنای دیگر که مصطلح است استعمال شده است و کلمه رأساً که اول در این ماده نوشته شده بود خیلی مناسبتر بود و بنده خواستم توضیح عرض کنم که در شور ثانی این کلمه اصلاح شود.

**وزیر عدلیه** - معانی و معنی این کلمه همان بود که خودشان توضیح دادند این کلمه در تمام قوانین مصطلح است یا مستقلاً یا رأساً اینجا بحث لغوی نباید بکنیم و حالا هم ممکن است در شور ثانی این کلمه را قبول کنیم

رئیس - ماده ۱۳۰

(بترتیب ذیل خوانده شد)

ماده ۱۳۰ - محکمه می تواند نسبت باشخاصیکه موجب اختلال نظم جلسه میشوند تا ۴۸ ساعت حکم حبس دهد و این حکم فوراً باید اجرا شود - در مورد این ماده اگر مرتکب از اصحاب دعوی یا وکلاء آنها باشد مدت حبس تا ۵ روز خواهد بود

رئیس - آقای معذل

معذل - در این ماده اجازه داده شده است که تا ۴۸ ساعت کسی که موجب اختلال نظم جلسه باشد حبس شود و بعد هم محکمه میتواند تا پنج روز در صورتی که یکی از اصحاب دعوی باشد حبس را زیاد کند. اگر کسی که موجب اختلال نظم شده از جلسه خارجش کند و ممنوعش بدارند از اینکه بقیه دفاع خود را بکنند این یک حرفی است و کافی هم میباشد این مجازات در مقابل اختلال نظم - چون اختلال نظم جلسه خیلی کش دار است مثلاً یک وقت در بین حرف طرف یک جمله بگوید. این هم اختلال نظم است و از طرفی هم بسیاری از اشخاص هستند که مثلاً ممکن است عصبانی شوند که طرف فلا حرف رازده و یک اظهاراتی کنند و یک حرکاتی نشان دهند که به نظر قاضی اختلال نظم باشد و او را حبس کند البته معلوم است روابط این قاضی با این شخص که حکم بحبسش داده چطور است مگر اینکه آن قاضی خیلی آدم بیطرفی باشد نسبت باصحاب دعوی که بالاخره حکم بدهد در آن کاری که یکی از اصحاب دعوی را حکم بحبس آن داده است بالاخره بنده خیال می کنم این کلمه اختلال نظم خیلی کشدار است و این مقدار حبس و این اختیار هم زیاد است و باید این کلمه را بر داشت و یک چیز دیگر بجایش گذاشت چون این کلمه باصطلاح بین ماها هم بیک کارهای خیلی کوچک هم تعبیر می شود این مدت حبس برایش خیلی زیاد است مثلاً نمایندگانی مجلس حق دارند که وکیل دعاوی باشند خوب آنجا محکمه تشخیص داد که این اختلال نظم کرد او نمیتواند این کار را بکند بعلاوه بنظر بنده باید مناسبت

قاضی با وکلا مخصوصاً اصحاب دعوی طوری باشد که جنبه بیطرفیش را بتواند رعایت کند و برای اینکه جلسو اختلال نظم گرفته شود این مقدار حبس زیاد است.

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم بنده هم نسبت بحبس و کسلا موافق نیستم و اگر بجای آن آنها را سه ماه چهارماه از کار معلق کنند بهتر است فرض بفرمائید یک نفر موجبات اختلال نظم را فراهم کرده او را حبس کنند این کار بحیثیت آن وکیل بر می خورد و اگر یک ماه دو ماه پانزده روز او را از وکالت ممنوع کنند بهتر است که در ظرف این مدت حق وکالت نداشته باشد. شاید یک اشخاصی باشند که مدتها کار کرده اند یک مرتبه در اثر مرض یا کسالت عصبانی شوند آنوقت اینها بروند و حبس شوند و یا حبسشان را بخرند این شایسته نیست و بعقیده بنده باید برای این ها ۲۰ روز الی ۱۵ روز تعلیق از کار معین کنند

وزیر عدلیه - رئیس محکمه در محکمه خودش باید مقتدر باشد این یک اختیاری است که برای او گذاشته شده و خیلی چیز مهمی هم نیست چون اگر تطبیق کنند با امور خلافی که مثلاً یک کسی توی خیابان داد میزند او را میرند چند روز حبس می کنند اگر در توی محکمه یک اصحاب دعوائی یک اختلالی بکنند البته کسی که حرف بزند او را نمیرند حبس کنند این پیش بینی شده است برای یک مواردی که آنها بحال تجری و تمرد کاری کردند و رئیس محکمه آنها را تکلیف کند بحفظ نظم و اطاعت نکنند او بتواند این کار را بکند و این هم یک اختیار مهمی نیست برای رئیس محکمه که در حوزه کار خودش لازم است داشته باشد باو بدهند در همه جای دنیا معمول است این جا هم باید باشد همینطور که در مجلس رئیس مجلس هم این اختیار را دارد رئیس محکمه هم باید در حوزه محکمه خودش که نماینده قوه قضائیه است این اختیار را داشته باشد

رئیس - آقای معذل

معذل - ما انکار قدرت رئیس محکمه را در محکمه نکردیم برای اینکه فرمودید باید این قدرت را داشته باشد

ماده ۱۳۱ - در موارد ابلاغ محکمه باید قبل از اعلام ختم محکمه عقیده مدعی العموم را در موضوع دعوی امتناع کند.

[۴ - تصویب لایحه اعتبار پروانه های ورودی] رئیس - یک لایحه یک ماده هم هست که مربوط به وزارت تجارت است که با موافقت آقای وزیر عدلیه آفر مطرح میکنم - شور دوم گزارش کمیسیون تجارت راجع به پروانه های ورودی.

(بمضمون زیر خوانده شد)

گزارش از کمیسیون تجارت بمجلس شورای ملی کمیسیون تجارت با حضور آقای معاون وزارت تجارت لایحه نمره ۲۶۴۱۱ دولت راجع بتمدید مدت پروانه های ورودی که مدت اعتبار آن در اثر اشکالات ارزی منقضی شده برای شور ثانی مطرح نموده و بر حسب پیشنهاد وزارت تجارت بطریق زیر اصلاح و اینک گزارش آن برای تصویب مجلس تقدیم میشود.

ماده واحده - پروانه های ورودی که مدت اعتبار یکساله آنها منقضی شده و مورد استفاده واقع نگردیده اند در صورتیکه طبق اسناد و مدارک به تشخیص وزارت تجارت طبق مقرراتی که برای این منظور بتصویب هیئت دولت خواهد رسید معلوم شود عدم استفاده از آنها بر اثر پیش آمدی بوده است که دارندگان اوراق مزبور قادر بر رفع آن نبوده اند برای مدتی که وزارت تجارت معین نماید و حد اکثر آن از شش ماه تجاوز نخواهد کرد قابل استفاده خواهند بود مشروط بر اینکه اولاً تاریخ صدور آن اوراق زودتر از ۱۲ ماه قبل از اجرای قانون ارز مصوب دهم اسفند ۱۳۱۴ نبوده و ثانیاً شخص ذی نفع وظایف خود را در موقع مناسب برای استفاده از آن بعمل آورده باشد رئیس - آقای امین.

امین - بنده چون خودم تاجر و تاجر زاده هستم لازم دانستم که علناً در مجلس از وزارت تجارت قدرانی کنم که برای رعایت حال تجار ارفاقی کرده اند و همچو ماده واحده را به مجلس آورده اند که حقیقتاً شایان تقدیر است و یک

قانون این قدرت را باو داده و او دارای این قدرت هست ولی باید در آن قسمت هائی که قانون باو اجازه داده است باشد والا مثلاً ملاحظه بفرمائید شخصی بر دیگری یکصد هزار ریال دعوی میکند این شاید حاضر باشد که از صد هزار ریال صرف نظر کند و یا صد هزار ریال دیگر هم بدهد که حکم حبس باو اطلاق نشود برای امر حقوقی آن هم برای اختلال نظم یک وقتی است که یک نظامنامه داریم که اختلال نظم چه چیزها هست میفرمائید برای اینکه بلند حرف بزنند نمی آیند کسی را حبس کنند چرا برای اینکه بلند حرف زدن اختلال نظم نیست مگر اینکه چیزی نوشته شود که اختلال نظم در فارسی معنایش این است که مثلاً در حضور رئیس محکمه کتک کاری بکنند که این البته اختلال نظم است ولی اگر الان اصطلاحاً و عرفاً از ما سؤال کنند که چیست اختلال نظم البته اطلاق باین می شود که صدا بلند کند یا بلند شود راه برود و یک حرکاتی بکند که آرامش و نظم باصطلاح از بین ببرد آنوقت برای این کار البته برای اشخاصی که کمال کوشش را می کنند که اینها حبس شوند ممکن است این اتفاقات پیش بیاید و در زندگانی آنها ممکن است تأثیر زیاد داشته باشد مثال میآورند آقای وزیر عدلیه موضوع ریاست مجلس و نمایندگان را اصلاً این حبس غیر از آن حبس است برای اینکه آن تأثیر دارد ولی این تأثیر ندارد برای این که اگر شخص بحکم رئیس بدایت یا صلح پنجروز حبس شود این سلب حیثیت و شئون او شده ولی در اینجا اگر نماینده را برای کاری حبس کنند اصلاً کسر و نقص برایش حاصل نمی شود بنده عقیده ام این است که حبس را باید بقدری اهمیت بدهیم که این از ترس دیگر مرتکب اینگونه اعمال نشود ولی اگر حبس دامنگیر کسی شود برای هر بلد حرف زدن و هر اختلال نظمی و برای هر دفاع کردنی این بقدری عادی میشود که قبح و اهمیت حبس از بین میرود.

رئیس - ماده ۱۳۱

(بمضمون زیر خوانده شد)

طلیحه ایست برای اصلاحات دیگری در عالم تجارت و امیدوارم عنقریب لوایح بهتری تهیه و تقدیم مجلس کنند برای خدمت به مملکت و حقیقتاً باید قدردانی کنم از آقای وزیر تجارت در این همراهی که با تجار کردند که واقعاً خیلی بجا بود و ضمناً خواستم که آقای معاون وزارت تجارت يك توضیحی در آنخصوص بدهند که این مقرراتی که برای این منظور هست و بتصویب هیئت دولت خواهد رسید درینجا این همان نظریاتی است که در کمیسیون مطرح شد که اشکالات داخلی و خارجی هر دو منظور گردیده و منحصر باشکالات داخلی نشود و همانطور که در آنجا بحث شد که در وزارت تجارت وقتی با آن مدارک مدلل و ثابت شد که مانع داشته اند کافه اشکالاتی که در نظر وزارت تجارت مدلل شود که در خارج بوده است یا در داخل بوده است آنوقت می توانند قدری تمدید کنند خواهش میکنم که يك توضیحاتی بفرمایند که بیشتر قضیه روشن شود و بیشتر باعث اطمینان بشود خیلی متشکر میشوم.

**معاون وزارت تجارت - آقایان مسبق هستند که** مدت پروانه ورود يك مدت معینی است که در ظرف آن مدت بایستی کالا وارد سرحد شود بعضی اوقات اتفاق می افتد که جریاناتی پیش میآید که مدت منقضی میشود و این اشکالات زیاد میشود اخیراً اشکالات ارزی زیاد شد منظور این بوده است که اگر بر اثر اشکالات ارزی مدت منقضی شود خسارتی متوجه تاجر نشود چون دلائل دیگری هم هست بعضی اوقات دیده شده که اشکالات ارزی نیست او را هم خواستیم شامل کرده باشیم برای اینکه بعضی اوقات اشخاص تصور نکنند که اگر مساعه کرده باشند و مدت

منقضی شده باشد شامل میشوند رسیدگی را بکمیسیون واگذار کرده که باسناد و مدارک رسیدگی کند و ببیند اگر واقعاً دلائلی است که مربوط بمسامحه تاجر نیست از نظر ارفاق قبول کند ولی اگر مربوط بمسامحه او بوده چون مطابق قانون بایستی در ظرف مدت معین وظایف خودش را انجام بدهد و نداده است قبول نکنند ولی اگر يك دلائلی باشد که از اختیار خودش خارج بوده ولو مربوط بارزهم نبوده البته اجازه داده می شود

رئیس - آقایانی که با ماده واحده موافقت دارند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

[ ۵ - تصویب يك فقره مرخصی ]

رئیس - گزارش از کمیسیون عرایض و مرخصی

(بمضمون آینده خوانده شده)

آقای علوی سبزواری تقاضای ده روز مرخصی از تاریخ ۲۸ آبان ۱۳۱۶ نموده اند و مورد موافقت کمیسیون عرایض و مرخصی واقع شده اینک گزارش آن بعرض می رسد

رئیس - موافقین با مرخصی آقای علوی سبزواری قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

[ ۶ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]

رئیس - اگر تصویب میفرمائید جلسه را ختم کنیم جلسه آینده روز یکشنبه ۱۴ دی ماه سه ساعت قبل از ظهر دستور لوایح موجوده

(مجلس يك ربع بظهرمانده ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

## قانون

اجازه تمدید مدت پروانه های ورودی

**ماده واحده -** پروانه های ورودی که مدت اعتبار یکساله آنها منقضی شده و مورد استفاده واقع نگردیده اند در صورتیکه طبق اسناد و مدارک به تشخیص وزارت تجارت طبق مقرراتی که برای این منظور بتصویب هیئت دولت خواهد رسید معلوم شود عدم استفاده از آنها بر اثر پیش آمدی بوده است که دارندگان اوراق مزبور قادر بر رفع آن نبوده اند برای مدتی که وزارت تجارت معین نماید و حداکثر آن از شش ماه تجاوز نخواهد کرد قابل استفاده خواهد بود مشروط بر اینکه اولاً تاریخ صدور آن اوراق زودتر از ۱۲ ماه قبل از اجرای قانون ارز مصوب دهم اسفند ۱۳۱۴ نبوده و ثانیاً شخص ذی نفع وظایف خود را در موقع مناسب برای استفاده از آن بعمل آورده باشد.

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه پنجم دی ماه یکهزار و سیصد و شانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری